



تعامل همدلانه زن و مرد در خانه با رویکرد اسلامی

علاقه به همسر و ابراز محبت به او، اصلی‌ترین جایگاه را در زندگی مشترک دارد و بدون وجود چنین علاقه‌ای، زندگی مفهوم و رنگ واقعی خود را از دست خواهد داد. کمک به همسر نیز راهی برای ابراز عملی این علاقه است.

خبرگزاری رسا - علاقه به همسر و ابراز محبت به او، اصلی‌ترین جایگاه را در زندگی مشترک دارد و بدون وجود چنین علاقه‌ای، زندگی مفهوم و رنگ واقعی خود را از دست خواهد داد. کمک به همسر نیز راهی برای ابراز عملی این علاقه است. همچنان‌که امام علی(ع) در خانه به حضرت فاطمه(س) کمک می‌کردند.

گاهی به شوخی می‌گوییم و می‌شنویم که «فلانی زن ذلیل است»؛ ظاهرش ساده و سخره ولی باطنش جدی و اثرگذار است. «زن ذیلی» یا همان تلخیص شده شوخ و شنگ حروف اختصاری "زد زد"، یکی از شوخی‌های رایج در میان ماست. در این شوخی، رگه‌هایی هم از جدیت می‌بینیم که شاید برای فرار از برخی واقعیت‌ها، با مکانیسم روانی شوخی از آن یاد می‌کنیم.

اینکه مردی از زن خود حساب برده، بدون اجازه او اقدام به کاری نکند، پذیرای کارها و نقش‌های او باشد، خواسته‌هایش را بر خواسته‌های خود مقدم بدارد و در یک کلام، بی‌چون و چرا مطیع او باشد، ترجمه ساده زن ذیلی است؛ بماند که برخی از مردان که تعدادشان هم کم نیست، برای فرار از این انتساب، نام چنین ارتباطی را تفاهم، رفاقت یا علاقه بیش از اندازه می‌دانند و در اثبات این علاقه، می‌کوشند تا گوی سبقت را از دیگر مردان فامیل برپایند!

البته گاهی اوقات نیز مردی که در خانه کمک کننده خانم در کارهای خانه است، برچسب "زن ذیلی" به او داده می‌شود و یا اگر مردی سخن منطقی و درست خانمش را گوش دهد، به او "زن ذلیل" گفته می‌شود. به نظر می‌آید این یک اشتباهی است که برای هر هماهنگ شدنی بین زن و مرد به "زن ذیلی" تعبیر شود.

از طرفی، علاقه به همسر و ابراز محبت به او، اصلی‌ترین جایگاه را در زندگی مشترک دارد و بدون وجود چنین علاقه‌ای، زندگی مفهوم و رنگ واقعی خود را از دست خواهد داد. کمک به همسر نیز از الطاف شوهر و راهی برای ابراز عملی این علاقه و عشق است. همچنان‌که در برخی موارد، امام علی علیه‌السلام در خانه به حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها کمک می‌کردند.

در حدیثی به نقل از امام علی(ع) آمده است: «روزی پیغمبر اکرم(ص) به خانه ما آمدند، در حالی که حضرت فاطمه(س) در کنار دیگی نشسته بودند و غذا را طبخ می‌کردند و من هم عدس پاک می‌کردم. پیغمبر اکرم(ص) مرا را در این حالت دید و به من فرمود: ای علی! از من بشنو و من جز آن چه خداوند فرمان داده چیزی نمی‌گویم.

هر مردی که در منزل به زنش کمک کند، به عدد هر موی بدنش، عبادت یک سال که روزها را روزه گرفته و شب‌ها را به عبادت مشغول بوده به او داده می‌شود و خداوند بزرگ به او پاداش صابران را عطا می‌کند؛ همانند پاداشی که به حضرت داوود، یعقوب و عیسی علیهم‌السلام عطا کرد و... [1]. با وجود این، آیا شایسته و سزاوار است که کمک و همکاری امام علیه‌السلام در خانه را، تعبیر به زن ذیلی کرد؟

متأسفانه، بعضاً این گونه برچسب زدن‌ها، زمینه همکاری و هماهنگی میان زن و شوهرها را در خانه کم می‌کند. خدای متعال درباره همسران فرموده است: «هُنَّ لِيَاْسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاْسٌ لِهِنَّ؛ آن‌ها جامه و لباس شما هستند و شما نیز جامه و لباس آن‌ها هستید.» [2]

در این آیه، خدای متعال همسران را به لباس تشبیه کرده است. وجوه تشابه زیادی میان آن‌هاست؛ یکی از این وجوه این است که کمال صمیمیت و قربانیت بین همسران باید برقرار باشد. همچنان‌که که میان لباس و فردی که آن را پوشیده، فاصله‌ای نیست و رابطه تنگاتنگی میان‌شان برقرار است.

لذا نزدیک‌ترین ارتباط و صمیمی‌ترین ارتباط را فرد باید با همسرش داشته باشد. آن‌قدر این ارتباط مهم است که در روایتی آمده است: «الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ؛ مومن مطابق اشتها و میل همسرش غذا می‌خورد.» [3]

پس، از آنجایی که همکاری و هماهنگی بین همسران ایجاد کننده این صمیمیت و ارتباط است، لذا این همکاری و هماهنگی همسران، در خانه لازم است.

بنابراین، عهده‌دار بخشی از وظایف و نقش‌ها در زندگی امری معقول و لازم است؛ اما در این میان، توجه به چند اصل ضروری است:

تقسیم وظایف همسران متناسب با آن‌ها

در فرهنگ اسلامی، وظایف همسران، متناسب با روحیات و وضعیت روانی آن‌ها و به گونه‌ای طبیعی و سازگار با شرایط آن‌هاست. تامین مالی خانواده، کاری سخت و نیازمند تحمل مشقات فراوان است. دست و پنجه نرم کردن با اجتماع و زیربار استرس‌های شغلی رفتن هم مقدمه این تامین مالی است و توان‌مندی مردان در این زمینه از قبل تدارک دیده شده است. همچنین کلی نگر و برنامه ریزی‌های کلان زندگی با توجه به وضعیت حافظه و تعقل مرد، متناسب با اوست.

در مقابل، زن ظریف و عاطفی است. در کارهای نیازمند دقت، پرحوصله است. کانون مهر است و مایه آرامش. هم گل است و هم باغبان گل‌ها. فرزندپروری و کارهای مهمی که نیازمند این ویژگی‌هاست، متناسب با روحیه واقعی اوست. روحیه‌ای حساس و لطیف دارد و بسیاری از استرس‌های پراکنده در فضای تعاملات اجتماعی، برای او زیان آور است. جزئی‌نگر است و حافظه او در بخش‌های کاربردی و عملی، خارق‌العاده است.

همه این ویژگی‌هایی که برشمردیم، یادآورمان می‌کند که: هر کسی را بهر کاری ساختند.

حتی در زمان پیامبر نیز به تقسیم وظایف زن و مرد اشاره شده است؛ پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بعد از مراسم عروسی دخترشان با حضرت علی علیه‌السلام دست دختر خود را در دست حضرت علی علیه‌السلام قرار داد و فضائل هر دو را به آن‌ها گوشزد کرد و کارها را به این صورت تقسیم کرد؛ کارهای خانه با حضرت زهرا و کارهای بیرون از خانه با حضرت علی باشد. [4]

مرزبندی وظایف

پس از تقسیم وظایف و مشخص شدن نقش‌ها، با اصل دیگری روبه رو می‌شویم که شورای نگهبان این نقش‌هاست. استمرار در پذیرش نقش و انجام بهینه و مطلوب آن، لذت سرشاری را وارد زندگی‌های مشترک کرده و زن و شوهر را از سردرگمی نجات می‌دهد. با این وجود، گاهی با پدیده‌ای به نام "جابجایی نقش‌ها" مواجه می‌شویم. در این پدیده که گاهی در دراز مدت همانند سونامی عمل می‌کند،

مرد و زن ناخواسته پذیرای نقش‌های یکدیگر می‌شوند و کاری را می‌کنند که هیچ گونه سختی با روحیات آن‌ها ندارد. در بروز این مشکل عواملی دست دارند که کمی روی آن‌ها تمرکز می‌کنیم.

گاهی لطف کردن به وظیفه تبدیل می‌شود

بسیاری از رفتارهایی که انسان‌ها از سر محبت و انسان دوستی به یکدیگر انجام می‌دهند، اگر ظرفیت درک آن در مخاطب وجود نداشته باشد، به مرور به یک حق مسلم برای ایشان و وظیفه‌ای برای طرف تبدیل می‌شود. به طوری که با انجام ندادن آن، دریافت کننده محبت خودش را محق می‌داند آن را مطالبه کند.

به عنوان نمونه: دوستی با خانواده‌اش به منزل شما می‌آید. شما می‌کوشید با یک پذیرایی شایسته، میزبان خوبی برای آن‌ها باشید. در پایان مهمانی هم با خودروی خودتان آن‌ها را به منزل می‌رسانید. در مهمانی دیگری که برای این خانواده ترتیب می‌دهید، در پایان احساس می‌کنید که تمایل دارند باز هم شما آن‌ها را به منزلشان برسانید و شاید این را بر زبان هم بیاورند! منظور ما از تبدیل شدن لطف به وظیفه در این مثال ساده گنجانده شده است.

حال، اگر لطف‌هایی هم که از سمت همسران ابراز می‌شود، به مرور زمان تبدیل به وظیفه شود، چه اتفاقی می‌افتد؟ همانند همان میزبان بیچاره‌ای که باید ناخواسته مهمان محترم و متوقع خود را به منزلش برساند. با تبدیل شدن لطف به وظیفه، در واقع جلوی الطاف بعدی را می‌گیریم.

هجوم افکار و نگرش‌های فمینیستی بر افراد جامعه

گاهی غبارهایی را می‌بینیم که روی فرش یا دیگر لوازم منزل ما نشسته‌اند. ما گمان می‌کردیم که همه درچه‌های ورود به خاک را بسته‌ایم، اما وجود این غبارها سند خوبی برای بی اعتباری گمان ماست. در این روزگار، افکار و مکاتب گوناگون به راحتی به خانه‌های ذهن ما وارد می‌شوند و بدون آگاهی ما آثار و نشانه‌های خود را در زندگی‌مان برجای می‌گذارند. زمانی جریان مردسالاری سرزنش می‌شد و فیلم‌ها و داستان‌های متنوعی را در این باره تماشا می‌کردیم.

بعد شاهد مظلوم‌نمایی درباره بانوان محترم و تضییع حقوق آن‌ها از سوی رسانه‌ها شدیم. سپس برای مقاصد ساسی و اقتصادی روی فمینیسم سرمایه گذاری کردند.

خانواده‌ها نیز در حالیکه کنار سفره غذا دور هم جمع شده بودند، به سوخت گیری فکری به گونه‌ای مخفیانه مشغول شدند و ...

وقتی به خود آمدیم که هر کسی تصمیم خودش را گرفته بود و یا شاید هم کسی فکر نمی‌کرد یک سریال، یک کتاب یا چند مجله بتواند زیبایی زندگی‌ها را تسخیر کند. به هرحال غبار اندیشه‌های غربی به درون خانه‌های ما رسوخ کرد و بر روی دل و ذهن ما نشست. خیلی از حرمت‌ها و حریم‌ها از یاد رفت و راهروهای دادگاه پر از جمعیت شد.

چه بسا بتوان گفت که یکی از دلایل مهم ترویج این افکار در جامعه، از یک طرف به نقش پر رنگ و تاثیرگذار برنامه‌های ماهواره‌ای بر می‌گردد و از طرف دیگر، کم کاری رسانه‌ها و مراکز مسؤول در تبیین دقیق جایگاه زن در جامعه است که سبب شده است، تا این‌گونه افکار در جامعه جا باز کند.

لذا اگر در رسانه‌های ملی و مکتوب به اندازه کافی به جایگاه زن در جامعه و خانواده پرداخته می‌شد، این گونه افکار غلط در جامعه منتشر نمی‌شد.

محبت‌های نامتوازن

محبت، پایه و اساس زندگی است و اگر بی قید و شرط و عاشقانه باشد، بسیاری از آسیب‌های خانواده را از بین می‌برد، اما گاهی در تشخیص مصداق آن مشکلاتی پدید می‌آید. مثلاً فرزند، تشنه محبت است و در عین حال نیازمند تربیت. چنانچه پدر یا مادری فقط به کودک خود محبت کنند، از او فرزندی لوس و پرتوقع بار می‌آورند. این دیگر نامش محبت نیست!

در زندگی عادی خود نیز گاهی به نام محبت، افراد خود را از محبت‌های اصیل و واقعی دور می‌سازند. زن و شوهر، با دور کردن یکدیگر از نقش‌های زنانه یا بلکه مردانه‌شان، هیچ کمکی به هم نمی‌کنند، بلکه خود را برای فردای سخت‌تر آماده می‌کنند.

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره تعادل در امور فرموده: «خَيْرُ الْأُمُور أَوْسَطُهَا؛ بهترین کارها میانه آنهاست.» [5] پس اگر در تمام امور زندگی (خوردن، خوابیدن، مسافرت و حتی محبت کردن و...) میانه روی و اعتدال رعایت شود، افراد کمتر دچار مشکل می‌شوند.

پیامبر اسلام، در رفتار فردی، خانوادگی و اجتماعی، و همچنین در اداره امور و سیاست، اصل تعادل را داشته و از هرگونه افراط و تفریط در هر کاری، پرهیز می‌کرد و تاکید فراوان داشت که امتش نیز از او پیروی کنند و در زندگی میانه رو باشند. [6]

رقابت‌های منفی و نادرست

اگر زن یا شوهر به دلیل چشم و هم چشمی با خانواده‌ای دیگر و الگوبرداری نادرست از سبک زندگی آن‌ها، یکدیگر را مجبور به انجام کارهایی کنند که از حیطه طبیعی کاری‌شان و توافق اولیه‌ای که داشته‌اند، دور سازد، مثلاً خانمی از شوهر خود بخواهد که همانند آقای فلان تمام کارهای فرزند خردسال‌شان را برعهده بگیرد یا برای تهیه غذای مهمانی، سفارش بدهد تا خود به راحتی در کنار مهمانان به گفت‌وگو بپردازد یا مرد خانه برای فرار از مسئولیت و به بهانه‌های واهی از همسر خود توقع داشته باشد که تمام خرید خانه یا حتی پرداخت قبض‌ها و سرکشی به مدرسه فرزند را انجام دهد، مرزبندی وظایف همسران دچار اختلال و اشکال خواهد شد.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره اثرات چشم و هم چشمی، فرموده است: «مَنْ أَتَبَعَ بَصَرَهُ مَا فِي أُيْدِي النَّاسِ طَالَ هَمُّهُ وَ لَمْ يُشْفَعْ غَيْظُهُ؛ کسی که نگاهش دنبال آنچه که دست مردم است، باشد، دچار هم و غم طولانی گشته و نفسش از افسوس و حسرت پی در پی بر دنیا بند آید.» [7]

به این مثال توجه کنید:

در پایان یک مهمانی، خانم، شوهرش را صدا می‌کند و در برابر چشم مردان دیگر و نیز خانم‌های حاضر از او می‌خواهد تا کیف دستی زنانه‌اش را که کمتر از نیم کیلو وزن دارد، بردارد. مرد هم بدون هیچ اما و اگر، این کار را می‌پذیرد. این کار یک الگوی جدید در ذهن همه ایجاد می‌کند. اگر در یک موقعیت دیگر، آقای حاضر به انجام این کار برای همسرش نباشد، کار او به بی مهری تعبیر و تفسیر شده و رابطه شیرین آن‌ها، به دلیل یک الگوی نادرست، تبدیل به یک رابطه سرد و مشاجره می‌شود.

توجه به صلابت مردانه و ظرافت زنانه

طبیعت مرد، مشتاق تماشای همسری زیبا و نجیب است که ظرافتی زنانه دارد و با طبعی لطیف و سرشار از مهر، گرمابخش خانه و زندگی مشترک است. فضای روانی زن نیز متمایل به داشتن همسری با اراده، کوشا و دارای هدف و برنامه برای زندگی و آینده آن است.

هر فضایی غیر از این (مگر آن که به صورت موقت براساس ضرورت یا به اقتضای شرایط ویژه‌ای باشد) با خواسته‌های اصیل همسران، فرسنگ‌ها فاصله دارد و مرد را از هیمنه مردانگی خود و زن را از ظرافت زنانه‌اش دور می‌کند که به نفع هیچ کدام نیست. زن با مرد ازدواج نمی‌کند که بتواند به خوبی از عهده کارهای ظریف بانوان برآید و مرد هم بدنبال همسری نیست که نان آور منزل باشد و

دوشادوش مردان، به کارهای سخت بیرون از منزل رسیدگی کند.

شناخت این تفاوت‌ها، برای همسران از ضروریات زندگی زناشویی است و چه بسا بتوان گفت که چه زندگی‌هایی که به دلیل نشناختن این مسأله به آشوب و جدایی کشیده شده است.

پی‌نوشت‌ها

- [1]. جامع الاخبار، فصل 59.
- [2]. سوره بقره (2)، آیه 178.
- [3]. اصول کافی، ج 4، ص 12.
- [4]. بحارالانوار، ج 43، ص 94.
- [5]. نهج الفصاحه، ج 1482.
- [6]. کنز العمال، ج 3، ص 28.
- [7]. تفسیر قمی، ج 2، ص 66.

منابع:

- [1]. خانواده پویا، ج 9
- [2]. نشریه خانه خوبان، ج 14
- [3]. توانمندسازی همسران
- [4]. جلوه‌های حکمت

عقيل مصطفى مجد